



راز دانه‌های انار «شب یلدا»/ بلندترین شب سال آبستن خورشید است

یک استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان اینکه بلندترین شب سال نه آبستن ماه، بلکه آبستن خورشید است، گفت: یلدا شب زایش خورشید است...

یک استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان اینکه بلندترین شب سال نه آبستن ماه، بلکه آبستن خورشید است، گفت: یلدا شب زایش خورشید است و این ظریف‌ترین نکته‌ای است که در دل این اسطوره قرار گرفته، چرا که بلندترین شب سال نه آبستن ماه، بلکه آبستن خورشید است. این پارادوکس، زیباترین تصویری است که می‌توان برای یک زایش فرض کرد.

خبرگزاری فارس: راز دانه‌های انار «شب یلدا»/ بلندترین شب سال آبستن خورشید است

سعید تقدیری استاد زبان و ادبیات فارسی در گفت‌وگو با خبرنگار کتاب و ادبیات خبرگزاری فارس درباره یلدا و بازتاب آن در ادب فارسی اظهار داشت: شب یلدا یکی از آیین‌های کهن در فرهنگ ایرانی است، که هر سال مصادف با یکم دی ماه برگزار می‌شود و از جهاتی با جشن‌های اقوام دیگر شباهت‌هایی دارد.

به گفته این استاد دانشگاه، واژه «یلدا» از ریشه زبان سریانی به معنی «تولد» و «ولادت» و منظور از آن زایش خورشید (میترا/مهر) است. ابوریحان نیز از آن با عنوان «میلاد اکبر» یا «میلاد خورشید» یاد می‌کند.

تقدیری با تأکید بر اینکه اصطلاح فارسی «شب چله» هم از نام‌های دیگر اوست و علت نامگذاری آن به «شب چله» آن است که «چله» در لفظ به معنی «منسوب به چهل» از لغات مربوط به آیین‌های زایش و مرگ است، خاطرنشان کرد: دو چله در آیین‌های قدیم وجود داشت: یکی «چله بزرگ» - از اول دی تا دهم بهمن (چهل روز) - و دیگری «چله کوچک» - از دهم بهمن تا آخر بهمن (بیست روز) - که شب چله بزرگ، شب شروع زمستان بود. اصولاً واژه چله با زایمان و ولادت مربوط است: چله زن آبستن، چله کودک نوزاد، و همین طور با تولدی دیگر یعنی مرگ مربوط است: چهل متوفی، چله صوفیان هم در حقیقت آیینی برای رسیدن به تولد دیگر بوده است.

وی ضمن بیان اینکه «یلدا» شب زایش خورشید است و این ظریف‌ترین نکته‌ای است که در دل این اسطوره قرار گرفته، تصریح کرد: یلدا شب زایش خورشید است و این ظریف‌ترین نکته‌ای است که در دل این اسطوره قرار گرفته، چرا که بلندترین شب سال نه آبستن ماه، بلکه آبستن خورشید است. این پارادوکس، زیباترین تصویری است که می‌توان برای یک زایش فرض کرد. برای توضیح این مساله که شب چه ارتباطی می‌تواند با تولد خورشید داشته باشد باید به چند نکته توجه کرد: نخست آنکه در اساطیر ایران خداوند به شکل نور متجلی می‌شود و قرآن کریم نیز در آیه 35 سوره مبارکه نور بر این امر اشاره کرده، و می‌فرماید: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ تُوْرُ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (معنی: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است. دستان نورش مانند مشکاتی است که در آن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه‌ای که تلالو آن گویی ستاره ایست درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست، شرق و غرب جهان بدان فروزان است و بی آنکه آتشی زیت آن را برافروزد خود به خود جهانی را روشنی بخشد که پرتو آن نور حقیقت بر روی نور و معرفت قرار گرفته و خدا هرکه را خواهد به نور خود هدایت کند و این مثل‌ها خدا برای مردم می‌زند و خدا به همه امور آگاه است.) اما ایرانیان بر این اعتقاد بودند که نور خداوندی بر روی زمین در آتش بوده و این نور در آسمان، ابتدا در خورشید، سپس در ماه و بعد در ستارگان وجود داشته است؛ ازین روی به نماد خورشید (میترا/مهر) توجه خاصی داشته‌اند. دیگر آنکه اعتقاد آنان بر ثنویت بوده، به این معنی که جهان را به دو عنصر نیروهای خوب و نیروهای بد تقسیم می‌کردند و همه پدیده‌های عالم را در این تقسیم بندی جای می‌دادند. به عنوان مثال: دروغ، سیاهی، خشکسالی، سردی و... زیرمجموعه پدیده‌های بد و راستی، سپیدی، شادابی، گرمی و... زیرمجموعه نیروهای خوب بود.

وی متذکر شد، با توجه به این مقدمه پیداست که شب و سیاهی را از آفریده‌های اهریمن می‌پنداشتند و بر این باور بودند که اهریمن و عمالش در جدالی سخت و طولانی، سعی دارند تا هرکجا روشنایی و سپیدی هست، آن را به تاریکی و سیاهی کشند؛ بنابراین در شب یلدا که بلندترین شب سال است، اهریمن نیز نیرو و توان بیشتری دارد تا بر نیروهای خوب بتازد. ازین روست که نیاکان ما با شروع این شب، در اجاق خانه‌ها و فانوس‌ها آتش می‌افروختند، سفره‌ای به نام «میزد» Myzad یا «لرک» Lork

را می‌گستردند، پیرترین عضو خانه به قصه خوانی می‌پرداخت و همه اهل خانه به خوردن انواع میوه‌های خشک و تر مشغول می‌شده، با یکدیگر سخن می‌گفتند تا ذره‌ای یأس، نومیدی و غم به دل خود راه ندهند و بتوانند بر نحسی و سیاهی این شب طولانی چیره شوند. تقدیری به بیان رسم‌های این شب همچنین خوراکی‌های تناول شده، گفت: علت خوردن میوه‌هایی چون انار، هندوانه و یا استفاده از آجیل در این شب نیز همین است. اتحاد دانه‌های به هم پیوسته انار، هسته‌های پربار یک هندوانه باشد که نمادی از زمین هم می‌تواند باشد- و مغزهای دانه‌های آجیل همگی نماد پرمایگی هستند تا بر کم مایگی اهریمن بتازند و در این پیکار به پیروزی رسند.

دکترای زبان و ادبیات فارسی در ادامه خاطرنشان کرد: با همه این اوصاف سوال اساسی اینجاست که چرا زایش خورشید گرما بخش، مصادف با شروع زمستان است و آغاز فصل سرد؟ برخی چنین تصور کرده‌اند که تولد خورشید، نوید شکست اهریمن را دارد در صورتی که اگر چنین فرض شود، برای غلبه کردن سرما بر گرما با شروع زمستان و کوتاه شدن روز و همچنین کمتر شدن قدرت خورشید چه پاسخی باید داد؟!

تقدیری بیان کرد: به قطع یقین مراسم شب یلدا در دوران باستان به نحو دیگری غیر از شکل و سیاق امروزی برگزار می‌شده، اما پس از اسلام آوردن ایرانیان، به مصداق: «شیر خدا و رستم دستانم آرزوست» این آیین نیز چهره ایرانی-اسلامی به خود گرفته و دستخوش تغییراتی گشته است. به عنوان مثال تفال به دیوان حافظ شاید چند سده‌ای است که رواج پیدا کرده و جایگزین فال گردو شده باشد که در این فال از روی شکستن پوست گردو، به سبب پوک یا مغزدار بودن آن به پیش بینی آینده می‌پرداختند و یا انواع و اقسام فال های دیگر که به انجام آن مبادرت می‌کردند.

این استاد ادبیات اضافه کرد: در ادبیات فارسی، شعرا تعابیر مختلفی از «شب یلدا» داشته‌اند و بیشتر «زلف یار» و «ایام هجران» را از جهت «سیاهی» و «بلندی» به یلدا تشبیه کرده‌اند:

برای ای صبح مشتاقان، اگر هنگام روز آمد/ که بگرفت این شب یلدا، ملال از ماه و پروینم (سعدی)

همه شب های غم آبتن روز طرب است/ یوسف روز به چاه شب یلدا بیند (خاقانی)

امروز مراسم آیینی شب یلدا در نقاط مختلف ایران به شیوه و رسم محلی همان منطقه برگزار می‌شود و این رسم در میان مردم محبوبیت بسیاری دارد؛ هم از آن روست که سالیان سال این فرهنگ کهن در دل مردم جای گرفته است.